



مرکز مجاز امام صادق (ع)

## اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

اجتماع امر و نهی

جلسه ۲۳۸

استاد نجار زاده

### اجتماع امر و نهی:

از قدیم الایام بین اصولیون اختلاف بوده در اینکه آیا امر و نهی، اجتماعشان در مورد واحد جایز است یا خیر؟

اغلب اشاعره معتقدند که این امر جایز است چنانچه برخی از اصحاب امامیه نیز که علی المعروف اول ایشان فضل بن شاذان بوده به این رأی قائل هستند و همچنین دسته‌ای از محققین متأخر به این قول متمایل می‌باشند و اکثر معتزله و اغلب امامیه نیز آن را ممتنع می‌دانند.

### اشکال:

گویا مسئله مورد بحث از اباحت بی‌معنا و بدون فایده می‌باشد؛ زیرا اساسا اجتماع امر و نهی در مورد واحد قابل تصور نیست؛ حتی اگر همچون اشاعره قائل شویم به اینکه تکلیف به محال ممتنع نمی‌باشد، در اینجا نفس تکلیف محال است؛ یعنی تعلق امر و نهی به شیئی واحد غیر ممکن بوده، نه آنکه متعلقش مستحیل باشد؛ پس مورد بحث از قبیل «تکلیف محال» بوده نه «تکلیف بالمحال» و امتناع چنین تکلیفی از اوضح و اضحات است؛ لذا جمیع اصحاب در آن با هم متفقند.

پس این سوال پیش می‌آید که چطور این نزاع بین قوم صحیح بوده و اساسا معنای آن چیست؟

### جواب:

تعبیر به «اجتماع امر و نهی»، از عناوین مبهم است از این رو لازم است مقصود اصولیین را توضیح دهیم؛ لذا باید مفردات این عنوان را توضیح بدهیم: اجتماع، واحد، جواز. همچنین قید «مندوحه» نیاز به توضیح دارد.



مرکز مجاز امام صادق (ع)

## کلمه «اجتماع»:

مقصود از این کلمه تلاقی اتفاقی بین مأموریه و منهی عنه در شیئی واحد می باشد.

البته فرض این تلاقی تنها در صورتی است که امر به عنوانی غیر از عنوان نهی تعلق گرفته؛ به طوری

که بین عنوانین هیچ گونه ربطی نباشد؛ منتهی به طور اتفاق، این دو عنوان در شیئی واحدی با هم تلاقی می کنند و در چنین وقتی است که می گویند: امر و نهی با هم اجتماع کرده اند.

## نحوه اجتماع:

باید توجه داشت که اجتماع بین دو عنوان به دو نحو ممکن است صورت گیرد:

### الف: اجتماع موردی:

اجتماع به حسب مورد باشد یعنی آنچه در خارج تحقق یافته فعل واحدی که با هر یک از دو عنوان

مطابق بوده نباشد بلکه فعل در واقع، دوتا است که در وقت واحد با هم تقارن و مجاورت می باشد، مثل:

نگاه حرام به زن اجنبیه در هنگام خواندن نماز. این نوع از اجتماع را احدی به امتناعش قائل نشده اند و

اساساً در مسئله اجتماع امر و نهی داخل نیست.

### ب: اجتماع حقیقی:

که توضیح آن در جلسه بعد خواهد آمد.